

باسمه تعالی

رشته: کلیه رشته‌ها		سوالات امتحان شبیه‌ساز نهایی: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	پایه: دوازدهم دوره دوم متوسطه	نام و نام خانوادگی:
تعداد صفحه: ۵	مرکز ارزشیابی خیلی سبز	منطبق بر رویکرد جدید امتحانات نهایی

ردیف	سوالات	صفحه ۳ از ۵	نمره
------	--------	-------------	------

۲۰	نوع پسوند «ان» در کلمه مشخص شده در بیت «همّت اگر سلسله جنبان شود/ مور تواند که سلیمان شود» با کدام گزینه یکسان است؟ الف) ناگهان مصطفی خرامان مانند طاووس مست وارد شد. ب) مهرورزی تو بر گل، کار راستان و پاکان است. پ) در بهاران، عشق من! خنده‌ات را می‌خواهم	۰/۲۵
قلمرو ادبی (۵ نمره)		
۲۱	شکل مرتب‌شده واژه‌های زیر، بیتی است سروده «حافظ»: آن را بنویسید. «چو - بشوی - کیمیای عشق - زر - دست - مردان ره - مس - از - وجود - بیابی - و - تا - شوی»	۰/۲۵
۲۲	مصراع‌های کدام بیت، جابه‌جا نوشته شده است؟ الف) لبریز زندگی است نفس‌های آخرت آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه ب) لبخند گاه‌گاهت، صبح ستاره‌باران آیینۀ نگاهت، پیوند صبح و ساحل	۰/۲۵
۲۳	یک بیت، قبل از بیت «به هر مجلس به هر زندان به هر شادی به هر ماتم/ به هر حالت که بودم با تو بودم؛ میهن ای میهن!» رابنویسید.	۰/۵
۲۴	جاهای خالی را پر کنید. الف) به نوع گفت‌وگوی شعر زیر، در اصطلاح ادبی، می‌گویند. «بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟ بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک بگفت او آن من شد زو مکن یاد بگفت این کی کند بیچاره فرهاد» ب) پدیدآورنده کتاب (سانتاماریا - ارمیا - تیرانا - کویر) محمدرضا رحمانی (مهرداد اوستا) است.	۰/۵
۲۵	درستی یا نادرستی گزاره‌های زیر را تعیین کنید. الف) کتاب «قصه شیرین فرهاد» نوشته احمد عربلو با لحن و بیانی طنزآمیز است. ب) زمینه حماسی به کاررفته در بیت «اگر کوه آتش بود بسپر من/ از این تنگ خوار است اگر بگذرم» خرق عادت است.	۰/۵
۲۶	آرایه مقابل کدام گزینه، نادرست ذکر شده است؟ الف) فزاش باد صبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترده. (استعاره) ب) با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت (حسن تعلیل) پ) ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری (مجاز) ت) گویی حنجره‌اش دو تنبوشه داشت؛ یکی برای بلعیدن لقمه و دیگری برای بیرون دادن حرف‌های قلبه. (سجع)	۰/۲۵
۲۷	در سروده زیر «مشبه» را مشخص کنید. «آن خداوند و سوار رخس بی‌مانند، / آن که هرگز - چون کلید گنج مروارید - / گم نمی‌شد از لبش لبخند»	۰/۲۵
ادامه سوالات در صفحه چهارم		

باسمه تعالی

رشته: کلیه رشته‌ها		سؤالات امتحان شبیه‌ساز نهایی: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	پایه: دوازدهم دوره دوم متوسطه	نام و نام خانوادگی:
تعداد صفحه: ۵	مرکز ارزشیابی خیلی سبز	منطبق بر رویکرد جدید امتحانات نهایی

ردیف	سؤالات	صفحه ۴ از ۵	نمره
------	--------	-------------	------

۲۸	آرایه مناسب با هر بیت را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) محرم این هوش جز بی هوش نیست ب) عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را پ) رخ شاه کاووس پر شرم دید مر زبان را مشتری جز گوش نیست (تناقض - ایهام تناسب) سیل، یکسان می کند پست و بلند راه را (تلمیح - اسلوب معادله) سخن گفتنش با پسر نرم دید (تضاد - حس آمیزی)	۰/۷۵								
۲۹	در بیت «آن جا در آن برزخ سرد، در کوچه های غم و درد/ غیر از شب آیا چه می دید چشمان تار من و تو؟»، «شب» نماد چه مفهومی است؟	۰/۲۵								
۳۰	آرایه های ادبی به کاررفته در ستون «ب» به کدام یک از بیت های ستون «الف» مربوط می شود؟ (در ستون «ب» یک مورد اضافی است.)	۰/۷۵								
<table border="1"> <thead> <tr> <th>ستون «الف»</th> <th>ستون «ب»</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>الف) با محتسبم عیب مگویند که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است</td> <td>اغراق</td> </tr> <tr> <td>ب) نهادند بر دشت هیزم دو کوه جهانی نظاره شده هم گروه</td> <td>جناس همسان</td> </tr> <tr> <td>پ) نی حریف هر که از یاری برید پرده هایش پرده های ما درید</td> <td>تضمین ایهام</td> </tr> </tbody> </table>		ستون «الف»	ستون «ب»	الف) با محتسبم عیب مگویند که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است	اغراق	ب) نهادند بر دشت هیزم دو کوه جهانی نظاره شده هم گروه	جناس همسان	پ) نی حریف هر که از یاری برید پرده هایش پرده های ما درید	تضمین ایهام	
ستون «الف»	ستون «ب»									
الف) با محتسبم عیب مگویند که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است	اغراق									
ب) نهادند بر دشت هیزم دو کوه جهانی نظاره شده هم گروه	جناس همسان									
پ) نی حریف هر که از یاری برید پرده هایش پرده های ما درید	تضمین ایهام									
۳۱	مفهوم کنایی قسمت مشخص شده را بنویسید. «در خوش زبانی و حرّافی و شوخی و بذله و لطیفه، نوک جمع را چیده و ...»	۰/۲۵								
۳۲	درباره «تلمیح» به کاررفته در بیت زیر توضیح دهید. «ز نیرنگ هوا و از فریب آذ خاقانی دلت خُداست خالی ساز از طاووس و شیطانش»	۰/۵								
قلمرو فکری (۸ نمره)										
۳۳	کدام یک از ابیات زیر، می تواند بیتی از یک «غزل اجتماعی» باشد؟ الف) دل گرمی و دم سردی ما بود که گاهی ب) جامه های کاو نشود غرقه به خون بهر وطن مرداد مَه و گاه دی اش نام نهادند بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است	۰/۲۵								
۳۴	شاعر (محمد تقی بهار) در کدام بیت، مردم مبارز و آگاه را به «ترک سستی و بی حاصلی و احیای قدرت و شوکت» فرامی خواند؟ الف) برکش ز سر این سپید معجر ب) زین بی خردان سفله بستان بنشین به یکی کبود اورند دادِ دل مردم خردمند	۰/۲۵								
۳۵	کدام بیت، شاهدی بر «اثبات بی گناهی سیاوش» است؟ الف) یکی دشت با دیدگان پر ز خون ب) چو پیش پدر شد سیاووش پاک که تا او کی آید ز آتش برون نه دود و نه آتش نه گرد و نه خاک	۰/۲۵								
ادامه سؤالات در صفحه پنجم										

باسمه تعالی

رشته: کلیه رشته‌ها		سوالات امتحان شبیه‌ساز نهایی: فارسی ۳
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	پایه: دوازدهم دوره دوم متوسطه	نام و نام خانوادگی:
تعداد صفحه: ۵	مرکز ارزشیابی خیلی سبز	منطبق بر رویکرد جدید امتحانات نهایی

ردیف	سوالات	صفحه ۵ از ۵	نمره
------	--------	-------------	------

۱	مفهوم مناسب هر بیت در ستون «الف» را از ستون «ب» انتخاب کنید. (یک مفهوم در ستون «ب» اضافی است.)	۳۶											
	<table border="1"> <thead> <tr> <th>ستون «الف»</th> <th>ستون «ب»</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>الف) بی‌عشق زیستن راجز نیستی چه نام است؟</td> <td>۱) نابرده رنج گنج میسر نشود</td> </tr> <tr> <td>ب) مشو در پیچ و تاب رنج و غم گم به هر حالت تبسم کن تبسم است</td> <td>۲) عاشق به عشق زنده است</td> </tr> <tr> <td>پ) زین پیش دلورا کسی چون تو شگفت</td> <td>۳) لب خندان بیاور با دل خون</td> </tr> <tr> <td>ت) صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب</td> <td>۴) چو عشق آمد از عقل دیگر مگو</td> </tr> <tr> <td></td> <td>۵) آزادگان را از مرگ هراسی نیست</td> </tr> </tbody> </table>	ستون «الف»	ستون «ب»	الف) بی‌عشق زیستن راجز نیستی چه نام است؟	۱) نابرده رنج گنج میسر نشود	ب) مشو در پیچ و تاب رنج و غم گم به هر حالت تبسم کن تبسم است	۲) عاشق به عشق زنده است	پ) زین پیش دلورا کسی چون تو شگفت	۳) لب خندان بیاور با دل خون	ت) صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب	۴) چو عشق آمد از عقل دیگر مگو		۵) آزادگان را از مرگ هراسی نیست
ستون «الف»	ستون «ب»												
الف) بی‌عشق زیستن راجز نیستی چه نام است؟	۱) نابرده رنج گنج میسر نشود												
ب) مشو در پیچ و تاب رنج و غم گم به هر حالت تبسم کن تبسم است	۲) عاشق به عشق زنده است												
پ) زین پیش دلورا کسی چون تو شگفت	۳) لب خندان بیاور با دل خون												
ت) صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب	۴) چو عشق آمد از عقل دیگر مگو												
	۵) آزادگان را از مرگ هراسی نیست												
۰/۲۵	بیت «نی حدیث راه پر خون می کند / قضا‌های عشق مجنون می کند» با کدام بیت تناسب مفهومی دقیق تری دارد؟ الف) خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان ب) شیرمردی باید این ره را شگرف این ملک که بغداد و ری اش نام نهادند زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف	۳۷											
۰/۵	هر یک از ابیات زیر، کدام وادی از «هفت وادی» عطار را به یاد می آورد؟ الف) چشم بگشا به گلستان و ببین ب) هشت جنت نیز این جا مرده‌ای است جلوه آب صاف در گل و خار هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است	۳۸											
۰/۵	شاعر در سروده زیر، شعر خود را چگونه شعری معرفی می کند؟ «قصه است این قصه؛ آری قصه درد است / شعر نیست؛ / این عیار مهر و کین مرد و نامرد است»	۳۹											
۰/۵	مفهوم مشترک آیه ﴿وَمَا زَمَيْتَ إِذْ زَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ زَمَى﴾ با بیت زیر چیست؟ «زیزدان دان، نه از ارکان، که کوتاه دیدگی باشد که خطی کز خرد خیزد، تو آن را از بنان بینی»	۴۰											
۰/۵	کدام مفهوم از عبارت زیر برداشت نمی شود؟ «... تا امسال که رفتم، دیگر سر به آسمان بر نکردم و همه چشم در زمین که این جا می توان چند حلقه چاه عمیق زد و ... آن جا می شود چغندر کاری کرد...! و دیدارها همه بر خاک و سخن‌ها همه از خاک!» الف) غلبه نگاه مادی و علم زده بر نگاه معنوی و معرفتی ب) یکسانی پدیده‌های مادی و معنوی در ارزش ذاتی پ) نکوهش عقلانیت و مادی گرایی	۴۱											
۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵	معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید. الف) جدایی از آن‌ها متأثرم می کرد. ب) هر کسی از ظن خود شد یار من پ) در اواخر عمر با بنده مألوف شده بود و کاسه و کوزه یکی شده بودیم. ت) عشق من، خنده تو / در تاریک‌ترین لحظه‌ها می شکفت / بخند؛ زیرا خنده تو برای دستان من / شمشیری است آخته ث) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست ج) هر یکی بینا شود بر قدر خویش چ) بفکن ز پی این اساس تزویر ح) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.	۴۲											
۲۰	جمع نمرات	«موفق باشید»											

قلمرو زبانی

۱ «پ» اعراض (روی گرداندن از کسی یا چیزی، روی گردانی) (۰/۲۵)

معنی واژه‌های مهم در سایر گزینه‌ها:

الف) نفیر: فریاد و زاری به صدای بلند (ب) تیش: اضطراب ناشی از گرمی و حرارت، گرمی و حرارت (ت) تضرع: زاری کردن، التماس کردن

۲ استیصال: ناچاری، درماندگی (۰/۲۵)

۳ «قسیم» (۰/۲۵) «صاحب‌جمال» یعنی زیبا، زیبارو. قسیم نیز به معنی صاحب‌جمال و زیباست.

معنی واژگان مهم:

شفیع: شفاعت‌کننده، پیامبر - مُطاع: فرمانروا، اطاعت‌شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌برد. - نبی: پیام‌آور، رسول - جسیم: خوش‌اندام - نسیم: خوش‌بو - وسیم: دارای نشان پیامبری

۴ «یادآوری» (۰/۲۵) («یادآوری» معنی واژه‌تداعی است).

۵ قدر (غلط) ← غَدر (۰/۲۵) (عَذر: خیانت، حيله و مکر، بی‌وفایی)

با توجه به محتوای کلی سروده (توصیف صحنه افتادن رستم در درون چاهی تاریک، عمیق و ... که شغاد ناجوانمرد برای او (رستم) کنده است) و نیز همراهی واژه «تاجوانمردان»، می‌توان دریافت که غَدر (حيله و خیانت) مناسب و صحیح است نه قدر (ارزش، بها و منزلت).

۶ «ب» ارقند (غلط) ← ارغند (۰/۲۵) (خشمگین و قهرآلود)

۷ «الف» محظوظ: بهره‌ور (۰/۲۵)

در عبارت «ب»، «فرض» به معنی «واجب، ضروری» صحیح و مناسب است نه فرض (= چابک و سریع). «فرض راه آمد» یعنی ضروری و بایسته‌راه (سیر و سلوک) است.

۸ «ب» زله (غلط) (۰/۲۵) ← ذله (به ستوه آمدن، خسته شدن) (۰/۲۵)

۹ الف) امتناع (خودداری، سر باز زدن از انجام کاری یا قبول کردن سخنی) (۰/۲۵)
با توجه به حضور واژه‌های «اصرار» (پافشاری) و «با» (خودداری) می‌توانیم بفهمیم که امتناع (از ریشه منع) انتخاب صحیح و مناسبی است.

ب) سور (بزم و شادی، جشن) (۰/۲۵)

سور به معنای «جشن و شادی، بزم و ضیافت» است. با توجه به حضور واژه «شیون» و برقراری رابطه معنایی تضاد میان این دو واژه (سور بخشیون)، می‌توانیم حدس بزنیم که سور واژه مناسبی برای تکمیل بیت است نه صور (بوق و شیپور).

پ) غُرس (نشاندن و کاشتن درخت و گیاه) (۰/۲۵)

در این عبارت، سخن از کاشتن و نشاندن نهال و درخت است؛ بنابراین واژه مناسب برای تکمیل عبارت، غُرس است (فُرس یعنی «هر چیز گرد و ملو، گرده، محکم و استوار»).

۱۰ «ب» (۰/۲۵) جمله دوم «برخواست غو» در مصراع اول و کل مصراع دوم به شیوه بلاغی بیان شده است. صورت مرتب‌شده بیت: چو او را بدیدند غو برخاست / که شاه نو ز آتش برون آمد

در بیت «الف»، فقط جمله اول مصراع اول (آتش است این بانگ نای) به شیوه بلاغی سروده شده است و در مصراع دوم، ارکان جمله مرتب‌اند.

۱۱ «ب» (۰/۲۵) در این گزینه، حذف به قرینه لفظی دیده می‌شود: سرانجام گفت: مرا دل (= دل من)، از هر دوان ایمن نه گردد (نگردد) و روان من [از هر دوان آروشن نه گردد (نگردد)].

بررسی سایر گزینه‌ها:

الف) ای عزیز ای‌دان که، آگاه باش که! ... معمولاً بعد از منادا فعل به قرینه معنایی حذف می‌شود. / پ) به (= بهتر) [است، باشد] (ت) ماشاءالله [آش باشد، بر او باد] - چشم بد دور [باد، باشد]

نکته در شبه‌جمله‌ها (حیف، افسوس، سلام، والسلام، شکر، سپاس، درود، دریغ، شگفته، ای بابا، ماشاءالله، ای داد و ... و برخی جملات بی‌فعل (شبتان خوش، زیارت قبول، چشم بد دور، عیدتان مبارک و ...) فعل به «قرینه معنایی» حذف می‌شود.

۱۲ الف) نادرست (۰/۲۵) «پنهان» قید است و «کار» نقش مسند دارد.

ب) درست (۰/۲۵) مفعول‌ها: (۱) دیناری بده پنهان و خود را وارهان (۲) دینار (۳) خود

۴) کار شرع، کار درهم و دینار نیست

نکته گاهی «مفعول» به صورت جمله یا عبارت ذکر می‌شود:

(گفت: «مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست»)

مفعول برای فعل «گفت»

۱۳ الف) چو (۰/۲۵)

ب) در راه ذوالجلال بی پا و سر شوی (۰/۲۵)

«تا» (در مصراع اول)، حرف اضافه و «و او» در «بی پا و سر» میان‌وند است.

۱۴ مصراع دوم (۰/۲۵) (صورت مرتب‌شده: پس از آن که چه کسی) مرا شه‌ریار

می‌خواند؟ (= می‌نامد، می‌گوید) نهاد مفعول مسند فعل

ساختار مصراع اول، مطابق الگوی «نهاد + مسند + فعل» است:

اگر یکی از این دو نایکار (= گناهکار) شود

گروه نهاد مسند فعل

۱۵ «دفتر زمانه» یا «نامش» (یک مورد، ۰/۲۵)

دقت داشته باشید که ترکیب «حال پخته» در این بیت یک ترکیب اضافی است (منظور از «پخته» در این ترکیب، فرد پخته است؛ یعنی به عنوان صفت جانشین اسم به کار رفته و مضاف‌الیه است).

ترکیب «هیچ خام» براساس الگوی «صفت پیشین + اسم» یک ترکیب وصفی است. ترکیب‌های «هر ملت» و «مردم صاحب‌قلیم» نیز وصفی‌اند.

۱۶ «پ» (۰/۲۵) در این گزینه، ضمیر پیوسته «م» جهش یافته و جایگاه اصلی آن، بعد از واژه «راه» بوده است؛ بنابراین پس از مرتب‌کردن مصراع، این ضمیر (م) به عنوان وابسته وابسته از نوع «مضاف‌الیه مضاف‌الیه» به کار می‌رود: ای طایر قدس، همت [خودت را] بدرقه‌راهم [بدرقه‌راه من] کن.

بررسی سایر گزینه‌ها:

الف) صورت مرتب‌شده مصراع: گفت هفت وادی، در ره ما است (پس از مرتب‌کردن اجزا، وابسته وابسته پدید نمی‌آید. «را» در این مصراع از نوع «فک اضافه» است.)

ب) صورت مرتب‌شده سروده: [من] باران خورشید [را] بر دیده‌هایت می‌بارم (ضمیر «ت» در اصل، مضاف‌الیه «دیده‌ها» است، اما پس از جابه‌جایی ضمیر هم وابسته وابسته‌ای پدید نمی‌آید) (ت) صورت مرتب‌شده مصراع: کارت (کار تو) دائم، درد و حسرت آید (آید، معادل فعل اسنادی «می‌شود»). ضمیر «ت» نقش مضاف‌الیه دارد و پس از جابه‌جایی نیز، وابسته وابسته نمی‌سازد.

۱۷ صفت مضاف‌الیه (۰/۲۵) ساخته چند عنصر (۰/۲۵)

۱۸ تضاد (۰/۲۵)

۱۹ الف) آن گرمی مرد، آن هریوه خوب و پاک آیین (ذکر یک مورد کافی است.) (۰/۲۵) / بدل بدل

پاک آیین (۰/۲۵)

معطوف

ب) «خوان هشتم»، «ماث» (ذکر یک مورد کافی است.) (۰/۲۵)

توجه گرمی مرد (ترکیب وصفی مقلوب) و «هریوه»، به ترتیب نمونه‌هایی از استفاه از ساختار دستوری زبان کهن و به کارگیری واژه‌های کهنه در شعر اخوان ثالث هستند.

۲۰ «الف» (۰/۲۵) «ان» در کلمه «سلسله‌جنبان» به بن مضارع اضافه شده و نشانه صفت فاعلی است. در واژه خرامان (گزینه «الف») نیز «ان» چنین وضعی دارد و نشانه صفت فاعلی است. (خرام (بن مضارع از خرامیدن) + ان)

بررسی سایر گزینه‌ها:

ب) «ان» در هر دو واژه «راستان» و «پاکان»، نشانه جمع است.

پ) «ان» در بهاران، نشانه زمان است (هنگام بهار).

قلمرو ادبی

۲۱ دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی (۰/۲۵)

۲۲ «ب» (۰/۲۵)

۲۳ تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی (۰/۲۵)/ فدای نام تو بود و نبودم؛
 میهن ای میهن! (۰/۲۵)

۲۴ (الف) مناظره (۰/۲۵)**(ب) تیرانا (۰/۲۵)**

«سانتاماریا» اثر سید مهدی شجاعی درباره دفاع مقدس است. «ارمیا» نوشته رضا امیرخانی درباره سرگذشت یک رزمنده ایرانی است که به شهادت می‌رسد. «کوبر» هم نوشته علی شریعتی است که نویسنده در آن به شرح زندگی خود پرداخته است.

۲۵ (الف) درست (۰/۲۵)

(ب) **نادرست (۰/۲۵)** زمینه حماسی به کاررفته در این بیت، قهرمانی است نه خرق عادت. مطابق زمینه قهرمانی حماسه، در این بیت به بی‌باکی، دلآوری و شجاعت قهرمان (سیاوش) اشاره شده است.

توجه!

دقت داشته باشید که تنها به خاطر حضور ترکیب «کوه آتش» نمی‌توانیم بگوییم بیت خرق عادت دارد، چون خرق عادت زمانی رخ می‌دهد که امری خارق‌العاده (خلاف عرف و منطق) مثل «عبور از کوه آتش و به سلامت بیرون آمدن» جریان یافته باشد؛ بنابراین این بیت در میزان آتش زباده‌روی کرده و فقط اغراق دارد.

● مواردی از قبیل «عبور از آتش و تبدیل شدن شعله‌های آتش به گل و گلستان، عمر و حکومت طولانی (مثل عمر هزارساله زال و حکومت هزارساله ضحاک)، روین تن بودن اسفندیار، حضور دیو سپید و سیمرغ، روییدن دو مار از دو کف ضحاک» را می‌توان نمونه‌ای از زمینه خرق عادت (تخیلی) در شاهنامه به شمار آورد.

۲۶ «ب» (۰/۲۵) (توجیه غیرواقعی و شاعرانه در بیت دیده نمی‌شود؛ پس حسن تعلیل ندارد.)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(الف) «فرش زمردین»، استعاره از «سبزه‌ها، چمن‌ها و گیاهان»
 (پ) «بر و باد و مه و خورشید و فلک» ← مجاز از همه هستی - «نان» ← مجاز از رزق
 «کف» ← مجاز از دست

(ت) «لقمه» و «قلنبه» کلمات هم‌آهنگ پایان دو جمله و واژگان پدیدآورنده سجع‌اند.

۲۷ مشتبه: لبخند (۰/۲۵)

● (لبخند مشتبه) چون (ادات تشبیه) کلید گنج مروراید (مشتبه به) از لبش گم نمی‌شد (وجه‌شبهه))

۲۸ (الف) تناقض (۰/۲۵) محرم هوش، بی‌هوش است.

واژه «مشتری» نه ایهام دارد و نه ایهام تناسب، ایهام ندارد، چون فقط در یک معنا (خریدار) به کار رفته است. ایهام تناسب ندارد، چون معنای غیر قابل قبول آن (سیاره مشتری) با واژه یا واژگانی تناسب ندارد.

(ب) **اسلوب معادله (۰/۲۵)** در مصراع، استقلال دستوری دارند و مصراع دوم، مثال و مصداقی برای مصراع اول است.

(پ) **حسن آمیزی (۰/۲۵)** (سخن گفتن نرم - دیدن سخن [گفتن])

۲۹ ستم و خفقان (یا جهل و ناآگاهی) (۰/۲۵)**۳۰ (الف) ← ایهام (۰/۲۵) «مدام»: (۱) شراب، (۲) دائمی و پیوسته**

(ب) ← اغراق (۰/۲۵) (جهانی برای نظاره تماشا) آمده بودند.

(پ) ← جناس همسان (تام) (۰/۲۵) (پرده: نغمه و آهنگ - پرده: حجاب، مجازاً اسرار) بقیه را به سکوت واداشته بود (یا سخنگوی واحد شده بود). (۰/۲۵)

۳۱ بیت اشاره دارد به داستان طاووس، که مرغی بهشتی بود؛ اما به سبب آشنایی با مار و کمک به او در فریب‌دادن آدم، از بهشت رانده شد. (۰/۵)

قلمرو فکری

۳۳ «ب» (۰/۲۵)؛ در این بیت به مفهوم اجتماعی «میهن‌دوستی و جان‌فشانی در راه وطن» اشاره شده است؛ بنابراین می‌تواند بیتی از یک غزل اجتماعی باشد.

● مفهوم بیت «الف»، «تأثیرپذیری احوال جهان از احوال درونی ما» است و این مفهوم، ارتباطی به مسائل سیاسی و اجتماعی ندارد.

۳۴ «الف» (۰/۲۵)

● «کشیدن معجز سپید از سر» (آشفشان کردن و ذوب کردن برف روی دهانه قله)، نشانی است از ترک خاموشی و سستی و بی‌حاصلی و «بر اورند کیود نشستن» نیز نشان و کنایه‌ای است از به دست گرفتن قدرت و احیای شکوه و شوکت.

۳۵ «ب» (۰/۲۵) اثری از دود و آتش و گرد و خاک بر تن او نبود؛ یعنی از آتش به سلامت و پاکیزگی عبور کرده و بی‌گناه بوده است.

۳۶ (الف) ← (۲) عاشق به عشق زنده است. (۰/۲۵)

(ب) ← (۳) لب خندان بیاور با دل خون. (۰/۲۵)

(پ) ← (۵) آزادگان را از مرگ هراسی نیست. (۰/۲۵)

(ت) ← (۱) نابرده رنج، گنج میسر نشود. (۰/۲۵)

۳۷ «ب» (۰/۲۵) بیت سؤال و بیت گزینه «ب» به دشواری و خطرناکی راه عشق اشاره دارند و این که تنها، عاشقان حقیقی می‌توانند در این راه قدم بگذارند.

در بیت «الف» هم، صحبت از رنج و سختی و ستم است، اما نه رنج و سختی راه عشق؛ بلکه رنج و ستمی که شاهان و قدرت‌مداران در حق ضعیفان و بیچارگان روا داشته و روا می‌دارند!

۳۸ (الف) توحید (یا وادی پنجم) (۰/۲۵)

● همه چیز (گل و خار در گلستان، کثرت‌ها) جلوه‌ای از خداوند و حقیقت (آب، وحدت) است.

(ب) استغنا یا (وادی چهارم) (۰/۲۵)

● سالک (رونده راه حق) در مرتبه استغنا احساس می‌کند که حق تعالی از همه چیز، حتی بهشت و جهنم بی‌نیاز است، چه برسد به اعمال و طاعات آدمی.

۳۹ شعری که بیانگر درد و رنج مردم است نه شعری صرفاً خیالی! و همین‌طور معیاری برای تشخیص دوستی و دشمنی و مردی و نامردی است. (۰/۵)

۴۰ عامل و فاعل حقیقی همه کارها اراده و خواست خداوند است و در واقع سررشته همه امور در دست اوست. (با هر پاسخ مشابه و درست دیگر) (۰/۵)

۴۱ «ب» (۰/۵) نویسنده می‌گوید: تمام توجه و نگاه من به امور مادی بود و نسبت به امور معنوی و احساسی بی‌اعتنا شده بودم. (سر به آسمان (نماد معنویات) بر نکردن، چشم در زمین (نماد مادیات) داشتن، چاه عمیق زدن و چغندر کاری کردن و سخن گفتن از خاک (نماد عالم مادی)، همگی نشانه غلبه نگاه مادی و علم‌زده و رنگ‌باختن معنویات است. نویسنده (علی شریعتی) از این که چنین نگاهی بر ذهن و روح وی غالب شده راضی نیست و این مادی‌گرایی و عقلانیت را نمی‌پسندد و نکوهش می‌کند؛ پس

پدیده‌های مادی در نظر وی با معنویات و پدیده‌های معنوی هم‌ارزش نیستند.

۴۲ (الف) جدایی از آن‌ها من را ناراحت و اندوهگین می‌کرد. (۰/۲۵)

(ب) هر کسی در حد فهم و گمان خود با من یار و همراه شد. (۰/۲۵)

(پ) در اواخر عمر با من (بنده)، مأنوس شده بود (۰/۲۵) و با هم صمیمی شده بودیم. (۰/۲۵)

(ت) ای عشق من (محبوب من)، خنده تو در سخت‌ترین و ناگوارترین لحظه‌ها، خود را نشان می‌دهد (۰/۲۵)؛ [پس] بخند، زیرا خنده تو برای من سلاحی است که از آن برای مبارزه، نیرو می‌گیرم. (۰/۲۵)

(ث) اگر چه جان، تن را ادراک می‌کند و تن از جان آگاهی دارد و هیچ‌یک از دیگری پوشیده نیست (۰/۲۵)، اما توانایی دیدن جان به هیچ کس داده نشده است (هیچ کس اجازه دیدن روح و جان را ندارد). (۰/۲۵)

(ج) آدر سیر و سلوک عرفانی هر فردی قدر و مرتبه خود را می‌شناسد (۰/۲۵) و در حقیقت، جایگاه و ارزش و اعتبار حقیقی خود را درمی‌یابد. (۰/۲۵)

(چ) بنیاد ریاکاری و فریب را (۰/۲۵) از ریشه برکن (۰/۲۵) و این تبار و نژاد و دودمان (خاندان قاجار) را نابود کن. (۰/۲۵)

(ح) [خداوند] با فرارسیدن (آمدن) فصل بهار (۰/۲۵)، بر سر شاخه‌های کوچک همانند اطفال (۰/۲۵)، شکوفه‌ها را مانند کلاهی قرار داده است. (۰/۲۵)